



اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی

محمد حسن زارع بهنمیری^۱

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

محمد حسین رحیمیان امیری^۲

کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی پارسا، بابلسر

محمد تیرگان^۳

کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی پارسا، بابلسر

(تاریخ دریافت: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۵ مرداد ۱۳۹۹)

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود و تعیین سطح فرار از مالیات و داشتن درک بهتر از دلایل آن به فرآیند یافتن مکانیزم‌های جلوگیری از آن یا کاهش شدت آن کمک خواهد کرد. هدف این پژوهش اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی می‌باشد. بدین منظور با گردآوری اطلاعات لازم از طریق روش کتابخانه ای و سپس توزیع پرسشنامه در دو مرحله، اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی، رتبه بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش مدیران ارشد، مدیران ستادی و کارشناسان فعالی هستند که در واحدها و بخش‌های مختلف اداره مالیاتی ارتباط کاری دارند که از بین آنها تعداد ۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تعیین میزان اهمیت و رتبه بندی سید عوامل اصلی و فرعی مؤثر بر فرار مالیاتی از روش سلسله مراتبی فازی گروهی (GFAHP) استفاده شده است. نتایج اولویت بندی متغیرهای تحقیق نشان داده است مهمترین عامل اصلی فرار مالیاتی، عامل اجرایی تعیین شده و عوامل اصلی اقتصادی-محیطی و قانونی در اولویت های بعدی قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: فرار مالیاتی، مالیات در ایران، مدل سلسله مراتب مراتبی گروهی فازی (GFAHP).

¹ mj.zare@qom.ac.ir

² m.h.rahimianamiri@gmail.com

³ m.tirgan2014@gmail.com

مقدمه

مالیات ریشه طولانی و عمیق دارد و عمر آن با پیدایش نخستین حکومت‌ها و سازمان‌های مدیریت اجتماعی همراه است. مالیات‌ها ابزار اصلی تامین مالی فعالیت‌های دولتی در تامین کالاها و خدمات عمومی هستند. فرار از مالیات، میزان درآمدی که دولت دریافت می‌کند را کاهش می‌دهد [۳۰]، و طبق نظر استرن (۱۹۹۳) تاثیر منفی بر رشد اقتصادی و سیاست‌های مالی کشور را به همراه دارد. فرار مالیاتی به عنوان یک بیماری جهانی شناخته شده است که اثرات اقتصادی متعددی را به تمام جوامع تحمیل می‌کند [۲۸]. علاوه بر این، پدیده فرار مالیاتی هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی خاصی مانند محدود کردن ظرفیت اقتصادی دولت، ایجاد نابرابری اقتصادی و اختلال در سیاست کلان دولت را در پی دارد [۱].

در ایران به دلایل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اثربخشی مالیات‌ها به ویژه در بودجه سالیانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است و نقش درآمدهای نفتی در تامین هزینه‌های جاری دولت موجب شده هم بودجه دولت به درآمدهای نفتی متکی شود و هم زمینه ساز رشد هزینه‌های جاری شود و اقتصاد کشور را از تکیه به درآمدهای ثابت و قابل اطمینان محروم کند. در این راستا به مشکلات مهمی مانند ناهمسو بودن قوانین مالی و مالیاتی، فرار مالیاتی، بالا بودن هزینه‌های وصول، سهم اندک شرکت‌های غیردولتی در درآمدهای مالیاتی، عدم استفاده از اهرم مالیات برای کنترل اقتصادی، سهم اندک درآمد مالیاتی از تولید ناخالص داخلی و هزینه دولت می‌توان اشاره کرد. در مورد فرار مالیاتی نیز در ایران به جهات گوناگون تاریخی و مذهبی پرداخت مالیات با اکراه و اجبار همراه بوده است و میزان همکاری مودیان در نظام مالیاتی و تمایل آنها به پرداخت مالیات به درجه رشد اجتماعی و اعتقاد مردم نسبت به رسالت این نظم بستگی دارد.

تعیین سطح فرار از مالیات و داشتن درک بهتر از دلایل آن به فرآیند یافتن مکانیزم‌های جلوگیری از آن یا کاهش شدت آن کمک خواهد کرد. هدف این پژوهش شناسایی مهمترین علت فرار مالیاتی و ارائه رتبه‌بندی برای علل فرار مالیاتی بر اساس نظر خبرگان و مدیران مالیاتی سراسر کشور می‌باشد و سوالی که در اینجا مطرح می‌باشد این است که عوامل موثر بر فرار مالیاتی از چه وزنی برخوردارند.

مبانی نظری

فرار مالیاتی

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. تعریف فرار مالیاتی، برای انواع مالیات‌ها یکسان است. در فرار مالیاتی، به رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذی ربط تعمداً نادیده گرفته می‌شود. فرار مالیاتی به دلیل تاثیر قوی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یکی از مشکلات عمده بسیاری از دولت‌ها است [۱۹ و ۲۷ و ۳۶ و ۲۶ و ۲۹ و ۳۴]. بر اساس گفته‌های پره بل، فرار مالیاتی بر خلاف قانون می‌باشد و به این معناست که یک پردازنده مالیات به طور عمد قوانین مالیات را زیر پا می‌گذارد تا بار مالیاتی خود را سبکتر نماید. در بیشتر موارد فرار مالیاتی، میزان درآمد به طور

جزئی یا کلی پنهان می‌شود و یا با ایجاد مخارج غیر واقعی از حجم درآمدهای شامل مالیات کاسته می‌شود. اگرچه تشخیص فرار مالیاتی تقریباً آسان است، اما اگر اینطور تشخیص داده شود باید به طور دقیق زمان تخطی از قوانین مالیاتی توسط پردازنده مشخص شود. تقریباً در تمامی موارد فرار مالیاتی به عنوان کلاهبرداری مجرمانه شناخته می‌شود. بر اساس گفته‌های فوست و ریدل، فرار مالیاتی می‌تواند به عنوان نوعی عمل غیرقانونی که از گونه‌ای پوشش بهره‌مند است شناخته شود. سندمو قدم فراتر می‌گذارد و بیان می‌دارد که با ارتکاب به فرار مالیاتی یک شخص به طور مشخص قانون را نقض می‌نماید. با عدم عنوان بخشی از درآمدهای شامل مالیات، یک شخص وارد عملی مجرمانه می‌شود و می‌تواند توسط دولت تحت پیگرد قرار گیرد. شخص خاطی همواره نگران افشای کارهای خود خواهد بود. اولیور و هانیبال معتقدند که فرار مالیاتی در مفهوم واژه است و به وضوح عملی غیر قانونی است. بر اساس گفتار گابو و رابینسون، فرار مالیاتی بر پایه اصل عدم ارائه تمام اطلاعات مالیاتی به مامور مالیات در جهت فرار از آن استوار است.

رویکردهای فرار مالیاتی

مروری بر ادبیات موضوع مبین آن است که اساساً دو جریان عمده در تبیین رفتار فرار مالیاتی وجود داشته است. از یک سو، مدل‌های مبتنی بر اقتصاد نئوکلاسیک مرسوم سعی بر آن داشته‌اند تا پدیده تمکین یا عدم تمکین مالیاتی را بر بنیان داده‌های مفروض در اقتصاد متعارف از قبیل "اصل عقلانیت فردی"، "حداکثر سازی سود مورد انتظار" و ... تبیین نمایند و از سوی دیگر، رویکردهای متفاوتی را شاهد هستیم که یا به کلی منتقد مدل‌های فرمالیستی اقتصاددانان مرسوم بوده‌اند، یا پیش فرض‌های اولیه آنها را در تبیین این پدیده کافی نمی‌دانند و در صدد افزودن پارامترهای غیر اقتصادی مثل نهادهای رسمی و غیر رسمی به مدل‌های ریاضی‌وار آنها بر آمده‌اند [۸]. در ادامه به رویکردهای پیرامون علل فرار مالیاتی پرداخته می‌شود.

رویکرد اقتصادی علل فرار مالیاتی

رویکرد اقتصادی به دنبال ارائه مدل‌های محض اقتصادی است و رفتار تمکین را با مفروضاتی همچون مطلوبیت و بیشینه سازی سود مورد انتظار بررسی نماید. این رویکرد عواملی همچون میزان درآمد واقعی، نرخ مالیات، مزایای مالیاتی، حساسی مالیاتی، احتمال حساسی، جریمه‌ها و مجازات‌ها را در اختیار گذاشته است. آلم و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی علل فرار مالیاتی به مواردی همچون کاهش افشا اطلاعات از طریق سیستم بانکی، افزایش استفاده از پول نقد و پرداخت رشوه اشاره کردند. گوکالپ و همکاران (۲۰۱۷) بیان کردند که مواجهه‌ی شرکت‌های اقتصاد رسمی با تهدیدات رقابتی فزاینده از سوی اقتصاد غیررسمی و به دنبال آن تلاش برای کاهش هزینه‌های رقابت، موجب بروز رفتار فرار مالیاتی می‌شود. آل شیخ و همکاران (۲۰۱۶) از مجازات‌ها و اندازه شرکت بعنوان عوامل موثر در فرار مالیاتی نام بردند. نتایج تحقیق همتی و همکاران (۱۳۹۸) بیانگر آن است که در صورتیکه اظهارنظر غیر مقبول توسط حسابرس صادر شود احتمالاً مدیران قوانین و مقررات را به طور کامل رعایت نکرده‌اند که بخشی از آن مربوط به محاسبات مربوط به سود اظهاری و مشمول مالیات و متعاقب آن هزینه مالیات می‌باشد. در نتیجه می

توان گفت که اظهارنظر غیرمقبول احتمالاً با افزایش اجتناب از مالیات همراه است. نوروزپور و نوروزپور (۱۳۹۴) نیز در بررسی علل فرار مالیاتی به مواردی همچون پیچیدگی کد اقتصادی، وجود معافیت‌های مالیاتی وسیع و متنوع اشاره داشتند. در رابطه با وجود معافیت‌های مالیاتی حکیمی (۱۳۹۷) معتقد است که در بخش‌هایی از قوانین مالیاتی معافیت‌ها و مزایایی در نظر گرفته شده است که خود باعث این شکاف مالیاتی خواهد شد. از عوامل موثر بر پدیده فرار مالیاتی در کشورهای در حال توسعه می‌توان به متغیرهایی همچون نرخ مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سرمایه اجتماعی و تورم اشاره کرد (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲). رضایی و منتظرالظهور (۱۳۹۲) از ترکیب نامناسب درآمدهای مالیاتی بعنوان دلایل فرار مالیاتی نام بردند. در تحقیقات متنوعی از نرخ مالیات بعنوان یکی از عوامل فرار مالیاتی اشاره شده است [۱۸ و ۹ و ۷ و ۱۲].

رویکرد غیر اقتصادی علل فرار مالیاتی

گروه دیگری از محققان معتقدند مسئله تمکین مالیاتی پیچیده‌تر از آن است که با رویکردهای محض اقتصادی تبیین شود. در این رویکرد عوامل غیراقتصادی که توسط اقتصاددانان نادیده گرفته شده‌اند، در کنار چارچوب اقتصادی، برای تبیین تمکین مالیاتی معرفی شده‌اند. عواملی همچون اخلاق مالیاتی، هنجارها، ادراک از انصاف و عدالت و ... هرچند عقاید اخلاقی به روشنی نقش‌هایی در تصمیم‌گیری‌های تمکین مالیاتی بازی می‌کنند، هنوز روشن نیست چطور این عقاید را می‌توان در تجزیه و تحلیل‌های قراردادی شرکت داد. آلم و تورگلر (۲۰۱۲) با تأکید بر این واقعیت که در عمل، تنها یک درصد مالیات دهندگان تسلیم کنترل‌های مالیاتی شده‌اند، به اهمیت روحیه مالیاتی اشاره کردند. استین برکن، مک گراو و شولتز (۱۹۹۲) نیز با ارائه مدلی بر پایه یافته‌های آمریکا، تمکین مالیاتی را تابع «باورهای مالیاتی عام» مردم، درباره میزان منصفانه بودن نظام مالیاتی و متأثر از ذهنیت مردم در زمینه مقبولیت مالیات دانستند. فرار مالیاتی یک مشکل جدی برای کشورهای در حال توسعه است. این بیشتر به این دلیل است که این کشورها در فرآیند گذار اقتصادشان، از حالت کنترل دولت به اقتصادهای بازار محور، با تغییرات سازمانی، رفتاری و فرهنگی مواجه هستند [۱۵]. زنگنه و همکاران (۲۰۱۸) از مواردی همچون عدم تسلط قانون‌گذاران، دخالت نهادهای غیر مسئول بعنوان علل فرار مالیاتی اشاره کردند. دروگالاس و همکاران (۲۰۱۸) و مرادی و همکاران (۱۳۹۲) فرار مالیاتی را نتیجه عدم اعتماد مردم به دولت در تخصیص مناسب منابع و ناسالم و ناکارآمد دانستن سازوکار مالیاتی حاکم می‌دانند. بهرامی ارفعی (۱۳۹۷)، عدم اطلاع رسانی و عدم پاسخگویی به حقوق مؤدیان، عدم اعلام صورت مصارف مالیاتی وصول شده توسط دولت و فقدان الزامات قانونی یا الزامات قانونی ناکافی را از عوامل فرار مالیاتی دانستند. نگرش ضعیف مردم نسبت به مالیات، عدم استفاده مطلوب و موثر از رایانه در تشخیص و وصول مالیات و ضعف نظام تشویق و تنبیه رابطه معنی‌داری با بروز پدیده فرار مالیاتی دارند [۱۲]. حاج‌محمدی و آقایی (۱۳۹۰) بر ضرورت وجود ارتباط تنگاتنگ میان تمکین داوطلبانه، خدمات مؤدیان و پیاده‌سازی فناوری اطلاعات صحنه گذاشت. استاد محمد و فرهودی (۱۳۹۰) نیز اشاره کردند، هر چه میزان رضایتمندی نسبت به سیستم مالیاتی بیشتر باشد، مؤدیان مالیاتی، تمایل و گرایش بیشتری به پرداخت داوطلبانه مالیات خواهند داشت. اکبری

دستجردی (۱۳۸۶) موانع تمکین داوطلبانه مودیان مالیاتی ایران را پیچیدگی قوانین، مقررات و بخشنامه های مالیاتی، شفاف و منصفانه نبودن نظام جریمه، برنامه های ضعیف آموزشی برای مودیان دانسته است. رضایی و منتظرالظهور (۱۳۹۲) نیز از پیچیدگی های نظام مالیاتی و مواردی همچون بالا بودن تعداد بخشنامه های صادره نام بردند. همچنین صمیمی و همکاران (۱۳۸۰) نیز از ضعف نظام اطلاعات مالیاتی و پیچیدگی قوانین مالیاتی بعنوان مهمترین عوامل فرار مالیاتی یاد کردند. فری (۱۹۹۷) نشان داده است در مناطقی از کشور سوئیس که شهروندان در کنترل سیاسی تاثیر گذار بوده و دموکراسی گسترده تری حاکم بوده است، فرار مالیاتی به گونه ی معناداری کمتر از سایر نواحی است. یکی از دلایل عدم تمکین مالیاتی و فرار مالیاتی که در تحقیقات متنوعی به آن اشاره شده است، فقدان عدالت سیستم مالیاتی است [۲].

سوال پژوهش

۱. از بین عوامل اصلی فرار مالیاتی کدام دارای اولویت می باشد؟
۲. از بین عوامل زیر مجموعه ی شاخص قانونی کدام دارای اولویت می باشند؟
۳. از بین عوامل های زیر مجموعه ی شاخص اجرایی کدام دارای اولویت می باشند؟
۴. از بین عوامل زیر مجموعه ی شاخص اقتصادی-محیطی کدام دارای اولویت می باشند؟

روش تحقیق

هدف عملیاتی پژوهش حاضر، پاسخ به این مسئله است که اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی چگونه باید انجام گیرد. پس نوع و روش انجام تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، توصیفی است. از طرف دیگر این تحقیق دارای ماهیت میدانی می باشد؛ بدین معنا که بخش عمده ای از اطلاعات از طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه توسط کارشناسان و خبرگان ادارات مالیاتی استان مازندران گردآوری شده است. تحقیق حاضر به بررسی پدیده های مستند و تکراری در محیط و شرایطی جدید در یک مقطع زمانی می پردازد. در این پژوهش برای پاسخ به سؤالات از روش های غیر آماری (تحقیق در عملیات) استفاده شده است. همچنین جمع آوری داده های این پژوهش به صورت کتابخانه ای و میدانی انجام شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه هدف در دسترس این تحقیق، مدیران ارشد، مدیران ستادی و کارشناسان فعالی هستند که در واحدها و بخش های مختلف اداره مالیاتی ارتباط کاری دارند. که از بین آنها تعداد ۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری این پژوهش شناسایی شدند تا در خصوص انتخاب عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و اولویت بندی آنها نظر داده و در تهیه گزارشات مورد نیاز همکاری نمایند.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۹	۹۵٪
	زن	۱	۵٪

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد
سن	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۰	۵۰٪
	۴۰ تا ۵۰ سال	۸	۴۰٪
	بالاتر از ۵۰ سال	۲	۱۰٪
تحصیلات	لیسانس	۱۱	۵۵٪
	فوق لیسانس	۷	۳۵٪
	دکتر	۲	۱۰٪
تجربه کاری	۵ تا ۱۰ سال	۲	۱۰٪
	۱۰ تا ۱۵ سال	۵	۲۵٪
	بالاتر از ۱۵ سال	۱۳	۶۵٪

داده ها و مقیاس اندازه گیری ها

با توجه به اینکه این تحقیق توصیفی است و اطلاعات مورد نیاز به روش میدانی جمع آوری شده است، لذا برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه استفاده شده است.

طی انجام این پژوهش در سه مرحله و در هر مرحله با روشی جداگانه اطلاعات جمع آوری شده است. روش‌های به کار گرفته شده شامل مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه با مدیران و خبرگان ادارات مالیاتی استان مازندران و رجوع به اسناد و مدارک و جلسات تخصصی تصمیم‌گیری هستند. در مرحله اول با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات در دسترس در مورد موضوعات مرتبط و نیز مراجعه به اطلاعات سایت‌های اینترنتی و انجام مصاحبه‌هایی با مدیران و خبرگان، عوامل اصلی و فرعی مؤثر بر فرار مالیاتی جمع آوری گردید.

در مرحله دوم با هدف تأیید و تعیین اهمیت این عوامل و تبدیل شاخص‌های کیفی به کمی، پرسشنامه شماره یک شامل جدولی مرکب از عوامل اصلی و فرعی در قالب طیف ده‌گانه از اهمیت خیلی کم (عدد یک) تا اهمیت خیلی زیاد (عدد ده) طراحی و میانگین اهمیتی برای هر کدام از معیارها محاسبه شد و از مدیران و کارشناسان مالیاتی فعال استان مازندران خواسته شد به بومی‌سازی عوامل اصلی و فرعی مؤثر بر فرار مالیاتی اقدام کنند. در این مرحله با توجه به مطالعه تحقیقات مشابه و با استفاده از نظر مدیران و کارشناسان مالیاتی و با در نظر گرفتن میانگین اهمیت محاسبه شده و اجزای مدل بومی گردید.

در مرحله سوم، به منظور وزن‌دهی به عوامل اصلی، فرعی و زیر فاکتورهای مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس پرسشنامه شماره دو (به شرح پیوست یک) شامل ماتریس مقایسات زوجی به خبرگان و مدیران مالیاتی سراسر کشور تحویل و تشریح شد که چگونه افراد جامعه آماری به تخصیص اعداد فازی کلامی به ماتریس-های مقایسات زوجی عوامل اقدام کنند.

تشریح روش تحلیل سلسله مراتبی فازی گروهی^۱ (به روش تحلیل توسعه‌ای چانگ^۲)

در این پژوهش برای تعیین میزان اهمیت ورتبه‌بندی سید عوامل اصلی و فرعی مؤثر بر فرار مالیاتی از روش روش تحلیل سلسله مراتبی فازی گروهی (GFAHP) به روش تحلیل توسعه‌ای چانگ استفاده شده است. برای پیاده‌سازی این روش، ابتدا باید نظرات خبرگان مختلف با استفاده از روش میانگین هندسی با هم تلفیق شود. اما از آنجا که یک ماتریس ناسازگار می‌تواند منتج به نتایج اشتباه شود، تجمیع نظر خبرگان قبل از حل مسئله امری ضروری می‌باشد. در این پژوهش این کار با استفاده از روش گاگوس و بوچر (۱۹۹۸) انجام شده است:

گاگوس و بوچر (۱۹۹۸) بر اساس شرایط انتقال‌پذیری قوی، روشی را برای محاسبه‌ی درجه‌ی ناسازگاری ماتریس‌های مقایسات زوجی فازی ارائه نموده‌اند. شاخص ناسازگاری^۳ (CI) بترتیب زیر محاسبه می‌گردد:

$$CI^m = \frac{(\lambda_{max}^m - n)}{(n)}$$

$$CI^g = \frac{(\lambda_{max}^g - n)}{(n)}$$

$$CR = \frac{CI}{RI}$$

اگر هر دو نرخ ناسازگاری (CR^g و CR^m) هر ماتریس مقایسه زوجی بزرگ‌تر از ۰/۱ باشد، باید از خبره مورد نظر درخواست شود تا در ترجیحاتش تجدید نظر نماید. اگر فقط CR^m (CR^g) از ۰/۱ بزرگ‌تر باشد، در حالی که دیگری در طیف مورد قبول باشد، بهتر است تصمیم‌گیرنده برای ارزیابی مجدد مقادیر میانی (مقادیر حدها) ترغیب شوند و مقادیر حدها (مقادیر میانی) بدون تغییر بمانند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش با استفاده از مراحل فازی‌سازی و داده‌های استخراج شده از پرسشنامه مربوط به متخصصان و خبرگان، شاخص‌های مورد استفاده با استفاده از رویکرد سلسله مراتبی فازی (GFAHP)، طبقه‌بندی و وزن‌دهی شده‌اند.

سؤال اول: رتبه بندی عوامل اصلی مؤثر بر فرار مالیاتی کدام‌اند؟

به‌منظور شناسایی عوامل با استفاده از نظر خبرگان، با مراجعه به تحقیقات مشابه و با استفاده از پرسشنامه بومی‌سازی، سه عامل اصلی (قانونی، اجرایی و اقتصادی-محیطی) مؤثر بر فرار مالیاتی شناسایی شد. وزن نهایی، رتبه بندی عوامل اصلی مؤثر بر فرار مالیاتی و مقادیر نرخ ناسازگاری ماتریس‌های مقایسات زوجی مطابق با جدول ۲ به‌دست آمد.

¹ Fuzzy Group Analytical Hierarchy Process (FGAHP)

² Chang

³ Consistency Index

جدول ۲- وزن نهایی، رتبه بندی و مقادیر نرخ ناسازگاری مربوط به عوامل اصلی مؤثر بر فرار مالیاتی

عوامل اصلی	قانونی	اجرایی	اقتصادی-محیطی
حداقل درجه امکان پذیری	۰/۵۱	۱	۰/۸۸
وزن نهایی شاخص ها	۰/۲۱	۰/۴۲	۰/۳۷
رتبه	۳	۱	۲
$\lambda_{max}^m = 3/0.30$		۰/۱۵=CI	۰/۳۰=CR ^m
$\lambda_{max}^g = 3/0.06$		۰/۰۳=CI	۰/۱۶=CR ^g

نتایج جدول ۲ بیانگر کسب بالاترین اولویت توسط شاخص «اجرایی» و پایین ترین اولویت توسط شاخص «قانونی» در گروه فاکتورهای اصلی مؤثر بر فرار مالیاتی است. همانطور که ملاحظه می شود، نرخ ناسازگاری (CR) محاسبه شده برای هر دو ماتریس کمتر از ۰/۱ است. بنابراین ماتریس مقایسه زوجی فاکتورهای اصلی مربوط به ماتریس تجمیع نظرات خبرگان کاملاً سازگار است.

سؤال دوم: رتبه بندی معیار های مؤثر بر شاخص قانونی کدامند؟

در این بخش به دنبال رتبه بندی عوامل مؤثر بر شاخص قانونی می باشیم. برای این منظور با توجه به ادبیات تحقیق پنج عامل پیچیدگی قانونی، نارسایی و ابهام در قانون، وجود معافیت های وسیع و بی مورد، عدم بازنگری کافی مجازات ها و نرخ های بالا و ناعادلانه، انتخاب گردید. ماتریس تجمیع نظرات کارشناسان، رتبه بندی عوامل مؤثر بر شاخص قانونی و مقادیر نرخ ناسازگاری ماتریس های مقایسات زوجی مطابق با جدول ۳ به دست آمد.

جدول ۳- وزن نهایی، رتبه بندی و مقادیر نرخ ناسازگاری مربوط به زیرفاکتورهای شاخص قانونی

زیرفاکتورهای شاخص قانونی	پیچیدگی قانونی	نارسایی و ابهام در قانون	وجود معافیت های وسیع	عدم بازنگری کافی مجازاتها	نرخ های بالا و ناعادلانه
حداقل درجه امکان پذیری	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۵۵	۱	۰/۳۳
وزن نهایی شاخص ها	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۰۹
رتبه	۲	۳	۴	۱	۵
$\lambda_{max}^m = 5/1.54$		۰/۳۸=CI			۰/۳۵=CR ^m
$\lambda_{max}^g = 5/1.40$		۰/۳۵=CI			۰/۰۹۰=CR ^g

نتایج جدول ۳ بیانگر کسب بالاترین اولویت توسط عامل «عدم بازنگری کافی مجازاتها» و پایین ترین اولویت توسط عامل «نرخ های بالا و ناعادلانه» در گروه زیرفاکتورهای شاخص قانونی است. نرخ

ناسازگاری (CR) محاسبه شده برای هر دو ماتریس کمتر از ۰/۱ است. بنابراین ماتریس مقایسات زوجی زیر فاکتورهای عامل قانونی مربوط به ماتریس تجمیع نظرات خبرگان کاملاً سازگار است.

سؤال سوم: رتبه بندی معیارهای مؤثر بر شاخص اجرایی کداماند؟

در این بخش به دنبال رتبه بندی عوامل موثر بر شاخص اجرایی می باشیم. برای این منظور با توجه به ادبیات تحقیق شش عامل عدم آموزش کافی نیروی انسانی، دریافتی ناکافی کارشناسان مالیاتی، کمبود کارشناسان مالیاتی، سیستم سنتی و دستی دریافت مالیات ها، وجود ضعف در بخش تشخیص علی الراس و بودجه و اختیارات اندک سازمان امور مالیاتی، انتخاب گردید. ماتریس تجمیع نظرات کارشناسان، رتبه بندی معیارهای مؤثر بر شاخص اجرایی و مقادیر نرخ ناسازگاری ماتریسهای مقایسات زوجی مطابق با جدول ۴ به دست آمد.

جدول ۴- وزن نهایی، رتبه بندی و مقادیر نرخ ناسازگاری مربوط به زیرفاکتورهای شاخص اجرایی

زیرفاکتورهای شاخص اجرایی	عدم آموزش کافی نیروی انسانی	دریافتی ناکافی کارشناسان مالیاتی	کمبود کارشناسان مالیاتی	سیستم سنتی و دستی دریافت مالیات ها	وجود ضعف در بخش تشخیص علی الراس	بودجه و اختیارات اندک سازمان امور مالیاتی
حداقل درجه امکان پذیری	۰/۴۶	۰/۱۵	۰/۷۱	۰/۴۷	۰/۵۴	۱
وزن نهایی شاخص ها	۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۲۱	۰/۱۴	۰/۱۶	۰/۳۰
رتبه	۵	۶	۲	۴	۳	۱
	$\lambda_{max}^m = 6/130$		$CI = 0/026$		$CR^m = 0/021$	
	$\lambda_{max}^g = 6/100$		$CI = 0/020$		$CR^g = 0/052$	

نتایج جدول ۴ بیانگر کسب بالاترین اولویت توسط عامل «بودجه و اختیارات اندک سازمان امور مالیاتی» و پایین ترین اولویت توسط عامل «دریافتی ناکافی کارشناسان مالیاتی» در گروه زیرفاکتورهای شاخص اجرایی است. نرخ ناسازگاری (CR) محاسبه شده برای هر دو ماتریس کمتر از ۰/۱ است. بنابراین ماتریس مقایسات زوجی زیرفاکتورهای شاخص اجرایی مربوط به ماتریس تجمیع نظرات خبرگان کاملاً سازگار است.

سؤال چهارم: رتبه بندی معیارهای مؤثر بر شاخص اقتصادی-محیطی کداماند؟

در این بخش به دنبال رتبه بندی عوامل موثر بر شاخص اقتصادی-محیطی می باشیم. برای این منظور با توجه به ادبیات تحقیق پنج عامل درآمدهای نفتی و دیگر منابع و بی انگیزگی دولت از دریافت مالیات، عملکرد اقتصادی دولت، وجود تبعیض بین مناطق مختلف در مصرف درآمدها، بی اعتمادی مردم به دستگاه مالیاتی و بالعکس و نبود سیستم جامع برای ردیابی درآمدها، انتخاب گردید. ماتریس تجمیع

نظرات کارشناسان، رتبه‌بندی معیار های مؤثر بر شاخص اقتصادی-محیطی و مقادیر نرخ ناسازگاری ماتریس‌های مقایسات زوجی مطابق با جدول ۵ به دست آمد.

جدول ۵- وزن نهایی، رتبه بندی و مقادیر نرخ ناسازگاری مربوط به زیرفاکتورهای شاخص اقتصادی - محیطی

رتبه	بی انگیزگی دولت از دریافت مالیات	عملکرد اقتصادی دولت	وجود تبعیض بین مناطق مختلف در مصرف درآمدها	بی اعتمادی مردم به دستگاه مالیاتی و بالعکس	نبود سیستم جامع برای ردیابی درآمدها
۱	۰/۲۵	۰/۶۷	۰/۷۱	۰/۶۲	۱
۲	۰/۰۸	۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۳۱
رتبه	۵	۳	۲	۴	۱
	$\lambda_{max}^m = 5/060$	$CI = 0/016$		$CR^m = 0/015$	
	$\lambda_{max}^g = 5/060$	$CI = 0/010$		$CR^g = 0/045$	

نتایج جدول ۵ بیانگر کسب بالاترین اولویت توسط عامل «نبود سیستم جامع برای ردیابی درآمدها» و پایین‌ترین اولویت توسط عامل «بی انگیزگی دولت از دریافت مالیات» در گروه زیرفاکتورهای شاخص اقتصادی - محیطی است. نرخ ناسازگاری (CR) محاسبه شده برای هر دو ماتریس کمتر از ۰/۱ است. بنابراین ماتریس مقایسات زوجی زیر فاکتورهای شاخص اقتصادی- محیطی مربوط به ماتریس تجمیع نظرات خبرگان کاملاً سازگار است.

نتایج

با توجه به جداول بالا که از انجام اجرای AHP فازی گروهی برای کلیه عوامل و زیر عوامل به دست می‌آید، نتایج در جدول ۶ خلاصه شده است:

جدول ۶- وزن نهایی و اولویت‌بندی عوامل اصلی و فرعی مؤثر بر فرار مالیاتی

رتبه نهایی	وزن	عوامل اصلی	عوامل فرعی
۱۱	۰/۲۴	قانونی	پیچیدگی قانونی
۱۲	۰/۲۴		نارسایی و ابهام در قانون
۱۴	۰/۱۵		وجود معافیت های وسیع
۱۰	۰/۲۷		عدم بازنگری کافی مجازاتها
۱۳	۰/۰۹		نرخ های بالا و ناعادلانه

رتبه نهایی	وزن	عوامل فرعی	وزن	عوامل اصلی
۹	۰/۱۳	عدم آموزش کافی نیروی انسانی	۰/۴۲	اجرایی
۱۶	۰/۰۴	دریافتی ناکافی کارشناسان مالیاتی		
۳	۰/۲۱	کمبود کارشناسان مالیاتی		
۸	۰/۱۴	سیستم سنتی ودستی دریافت مالیات ها		
۷	۰/۱۶	وجود ضعف در بخش تشخیص علی الراس		
۱	۰/۳۰	بودجه و اختیارات اندک سازمان امور مالیاتی		
۱۵	۰/۰۸	بی انگیزگی دولت از دریافت مالیات	۰/۳۷	اقتصادی - محیطی
۵	۰/۲۰	عملکرد اقتصادی دولت		
۴	۰/۲۲	وجود تبعیض بین مناطق مختلف در مصرف درآمدها		
۶	۰/۱۹	بی اعتمادی مردم به دستگاه مالیاتی و بالعکس		
۲	۰/۳۱	نبود سیستم جامع برای ردیابی درآمدها		

بحث و نتیجه گیری

هر وضعیتی از عدم تمکین که منجر به عدول از تکالیف مالیاتی، قانونی اشخاص حقیقی و حقوقی گردد، فرار مالیاتی به حساب می‌آید. هدف این پژوهش اولویت‌بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش مدیران ارشد، مدیران ستادی و کارشناسان فعالی هستند که در واحدها و بخش‌های مختلف اداره مالیاتی ارتباط کاری دارند که از بین آنها تعداد ۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تعیین میزان اهمیت ورتبه‌بندی سبب عوامل اصلی و فرعی مؤثر بر فرار مالیاتی از روش سلسله مراتبی فازی گروهی (GFAHP) استفاده شده است. نتایج اولویت‌بندی متغیرهای تحقیق نشان داده است کسب بالاترین اولویت توسط عامل «اجرایی» و پایین‌ترین اولویت توسط عامل «قانونی» در گروه فاکتورهای اصلی مؤثر بر فرار مالیاتی است. بنابراین مدیران بایستی به شاخص‌های عوامل اجرایی توجه بیشتری نمایند، مانند نظارت درست بر نیروی انسانی و کارشناسان مالیاتی، دستورالعمل‌های به جا و کافی یا وجود بودجه کافی در سازمان. در بین عوامل قانونی، شاخص عدم بازنگری کافی مجازات‌ها، در بین عوامل اجرایی، بودجه و اختیارات اندک سازمان امور مالیاتی و در بین عوامل اقتصادی- محیطی شاخص نبود سیستم جامع برای ردیابی درآمدها دارای بیشترین اولویت بوده است.

نتایج رتبه بندی معیارهای مؤثر بر شاخص قانونی، بیانگر کسب بالاترین اولویت توسط عامل «عدم بازنگری کافی مجازات‌ها» است، این بدان معنی است که با بازنگری و اصلاح مجازات‌های فرار مالیاتی می‌توان به کاهش این رفتار غیر اخلاقی کمک کرد. همچنین پایین‌ترین اولویت توسط عامل «نرخ‌های بالا و ناعادلانه» در گروه زیرفاکتورهای شاخص سازمانی است. جعفری صمیمی و حمزه ای (۱۳۸۴) نظری پور و

تابنده (۱۳۹۰)، سامتی و زنگنه (۱۳۹۰)، صمدی و تابنده (۱۳۹۱)، رضایی و منتظرالظهور (۱۳۹۲)، محمودی و شهریاری (۱۳۹۲)، مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، نوروزپور و نوروزپور (۱۳۹۴)، بلومکوئیست^۱ (۲۰۰۳)، ریاحی بلکویی^۲ (۲۰۰۴)، ریچاردسن^۳ (۲۰۰۶)، باربوتا (۲۰۰۸)، اوآدیال^۴ (۲۰۱۰)، اشلی و همکاران (۲۰۱۵)، آل شیخ و همکاران (۲۰۱۶)، تحقیقاتی در ارتباط با شاخص قانونی انجام داده اند. نتایج رتبه‌بندی معیار های مؤثر بر شاخص اجرایی، بیانگر کسب بالاترین اولویت توسط عامل «بودجه و اختیارات اندک سازمان امور مالیاتی» است که نشان می‌دهد عدم اتخاذ بودجه مناسب و همچنین اختیارات اندک سازمان امور مالیاتی موجب عدم کنترل مناسب فرار مالیاتی می‌شود. همچنین پایین‌ترین اولویت توسط عامل «دریافتی ناکافی کارشناسان مالیاتی» در گروه زیرفاکتورهای شاخص اجرایی است. نتایج رتبه‌بندی معیار های مؤثر بر شاخص اقتصادی-محیطی بیانگر کسب بالاترین اولویت توسط عامل «نیود سیستم جامع برای ردیابی درآمدها» است که بیانگر آن است، در صورت وجود سیستم جامع ردیابی درآمد می‌توان تا حد امکان از رفتار فرار مالیاتی جلوگیری کرد. علاوه بر این، پایین‌ترین اولویت توسط عامل «بی انگیزگی دولت از دریافت مالیات» در گروه زیرفاکتورهای شاخص اقتصادی-محیطی است. نظری پور و تابنده (۱۳۸۴)، صمدی و تابنده (۱۳۹۱)، مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، محمودی و شهریاری (۱۳۹۲)، بلومکوئیست (۲۰۰۳)، ریاحی بلکویی (۲۰۰۴)، سوکرام و واتسون^۵ (۲۰۰۵)، اوآدیال (۲۰۱۰) و کبولا و فیگ^۶ (۲۰۱۱)، و تحقیقاتی در ارتباط با شاخص اقتصادی محیطی انجام داده‌اند.

فهرست منابع

۱. اعتمادی، حسین، سیاسی، سحر و ساری، محمدعلی. (۱۳۹۵). "چارچوب مفهومی طرح ریزی مالیات شرکتی". **پژوهش حسابداری**، شماره ۱، صص ۸۰-۶۱.
۲. بهرامی ارفعی فاطمه. (۱۳۹۷). "بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در استان مازندران با تأکید بر عوامل فرهنگی". **دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر**. پایان نامه کارشناسی ارشد.
۳. جعفری صمیمی، احمد و حمزه ای، علی اکبر. (۱۳۸۰). "بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران". **پژوهش ها و سیاست های اقتصادی**، شماره ۳۴، صص ۲۰-۳.
۴. حاج محمدی، فرشته و آقای، اله محمد. (۱۳۹۰). "ارتقا تمکین داوطلبانه با کاهش هزینه های تمکین: رویکرد خدمات مودی". **پژوهشنامه مالیات**، شماره ۱۰، صص ۳۷-۵۰.

¹ Bloomquist

² Riahi-Belkaoui

³ Richardson

⁴ Uadiale et al

⁵ Sookram & Watson

⁶ Cebula & Feige

۵. حکیمی، فرهاد. (۱۳۹۷). "طرفیت سنجی مالیات در مناطق ایران". **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۴۰، صص ۱۸۰-۱۵۹.
۶. رسولی شمیرانی، رضا و اسدالله زاده بالی، میر رستم. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل موثر بر تمکین و خود اظهاری مودیان مالیاتی و ارائه راهکارهایی کارآمد جهت بهبود شرایط موجود".
۷. رضایی، محمدقاسم، خادمی جامخانه، علی اکبر و منتظرالظهور، مریم. (۱۳۸۹). "جایگاه تحول و تمکین در اصلاحات نظام مالیاتی: تجربه جهانی و چالشهای نظام مالیاتی ایران". **پژوهشنامه مالیات**، شماره ۹، صص ۱۰۰-۸۳.
۸. روستا، محمود و حیدریه، سید عبدالله. (۱۳۹۳). "رتبه بندی علل فرار مالیاتی به روش AHP". **پژوهشنامه مالیات**، سال ۲۲، شماره ۲۴.
۹. سامتی، مرتضی و زنگنه، احسان. (۱۳۹۷). "اثر روابط متقابل اجتماعی بر سطح تمکین مؤدیان مالیاتی (مطالعه موردی استان اصفهان)". **فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی**، شماره ۸۶، صص ۶۴-۳۹.
۱۰. محمد نوربخش لنگرودی، محسن و جوادی نیک گو، محمدرضا. (۱۳۸۸). "بررسی موانع استقرار کامل نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران". **پژوهشنامه مالیات**، شماره ۶، صص ۱۳۸-۱۱۵.
۱۱. مرادی، مهدی، رستمی، امین و تقی زاده، رضا. (۱۳۹۲). "بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی". **پژوهشنامه مالیات**، شماره ۱۸، صص ۲۰۲-۱۸۱.
۱۲. نوروزپور، محمدرضا و نوروزپور، زهرا. (۱۳۹۴). "بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در استان آذربایجانغربی (مطالعه موردی شهرستان ارومیه)". **فصلنامه اقتصاد و مالیات**، شماره ۱، صص ۷۳-۵۹.
۱۳. هادیان، ابراهیم و تحویلی، علی. (۱۳۹۲). "شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران". **فصلنامه برنامه ریزی و بودجه**، شماره ۲، صص ۵۸-۳۹.
۱۴. همتی، هدی، جابری، محمدعلی، ایمانی، کریم و شامحمدی، محمدعلی. (۱۳۹۸). "بررسی رابطه نوع اظهارنظر و اندازه موسسه حسابرسی با اجتناب از مالیات با استفاده از روش دومرحله ای هکمن". **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۴۳، صص ۱۸۶-۱۷۱.
15. Abdikhiku, L., Krasniqi, B., Pugh, G., & Hashi, I. (2017). "Firm-level determinants of tax evasion in transition economies". **Economic Systems**, 41(3), 354-366.
16. Alm, J., & Torgler, B. (2011). "Do ethics matter? Tax compliance and morality". **Journal of Business Ethics**, 101(4), 635-651.
17. Alm, J., Liu, Y., & Zhang, K. (2019). "Financial constraints and firm tax evasion". **International Tax and Public Finance**, 26(1), 71-102.
18. Alsheikh, E. Y., AlAdham, M. A. A., & Yousef, A. A. (2016). "Factors affecting corporate tax evasion: Evidence from Jordan". **International Journal for Innovation Education and Research**, 4(6).

19. Basta, Stefano, Fabio Fassetti, Massimo Guarascio, Giuseppe Manco, Fosca Giannotti, Dino Pedreschi, Laura Spinsanti, Gianfilippo Papi, and Stefano Pisani. "High quality true-positive prediction for fiscal fraud detection." In *2009 IEEE International Conference on Data Mining Workshops*, pp. 7-12. IEEE, 2009.
20. Bloomquist, K. M. (2003, January). "Tax evasion, income inequality and opportunity costs of compliance". In **Proceedings. Annual Conference on Taxation and Minutes of the Annual Meeting of the National Tax Association** (Vol. 96, pp. 91-104). National Tax Association.
21. Johnson, S., Kaufmann, D., McMillan, J., & Woodruff, C. (2000). "Why do firms hide? Bribes and unofficial activity after communism". **Journal of Public Economics**, 76(3), 495-520.
22. Drogalas, G., Anagnostopoulou, E., Pazarskis, M., & Petkopoulos, D. (2018). "Tax Ethics and Tax Evasion, Evidence from Greece". **Theoretical Economics Letters**, 8(05), 1018.
23. Feige, E. L., & Cebula, R. (2011). "America's unreported economy: measuring the size, growth and determinants of income tax evasion in the US".
24. Frey, B. S. (1997). "A constitution for knaves crowds out civic virtues". **The Economic Journal**, 107(443), 1043-1053.
25. Gokalp, O. N., Lee, S. H., & Peng, M. W. (2017). "Competition and corporate tax evasion: An institution-based view". **Journal of World Business**, 52(2), 258-269.
26. González, P. C., & Velásquez, J. D. (2013). "Characterization and detection of taxpayers with false invoices using data mining techniques". **Expert Systems with Applications**, 40(5), 1427-1436.
27. Goumagias, N. D., Hristu-Varsakelis, D., & Saraidaris, A. (2012). "A decision support model for tax revenue collection in Greece". **Decision Support Systems**, 53(1), 76-96.
28. Johnson, S., Kaufmann, D., McMillan, J., & Woodruff, C. (2000). "Why do firms hide? Bribes and unofficial activity after communism". **Journal of Public Economics**, 76(3), 495-520.
29. Matos, T., de Macedo, J. A. F., & Monteiro, J. M. (2015, July). "An Empirical Method for Discovering Tax Fraudsters: A Real Case Study of Brazilian Fiscal Evasion". In *Proceedings of the 19th International Database Engineering & Applications Symposium* (pp. 41-48). ACM.
30. McGee, R. W., & Shopovski, J. (2018). "The Ethics of Tax Evasion: A Survey of Law and Economics Students in the Republic of Macedonia". **International Journal of Economic Science**, 7(2), 57-69.
31. Riahi-Belkaoui, A. (2004). "Is earnings management affected by human development and economic freedom?". **Review of Accounting and Finance**, 3(1), 115-127
32. Richardson, G. (2006). "Determinants of tax evasion: A cross-country investigation". **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, 15(2), 150-169.
33. Sookram, S., & Watson, P. K. (2005). "Tax evasion, growth and the hidden economy in Trinidad and Tobago". **Institute of Social and Economic Studies**, Working Paper, 418, 1-18.

34. Tian, F., Lan, T., Chao, K. M., Godwin, N., Zheng, Q., Shah, N., & Zhang, F. (2016). "Mining suspicious tax evasion groups in big data". **IEEE Transactions on Knowledge and Data Engineering**, 28(10), 2651-2664.
35. Uadiale, O. M., Fagbemi, T. O., & Ogunleye, J. O. (2010). "An empirical study of the relationship between culture and personal income tax evasion in Nigeria". **European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences**, 20(1), 116-126.
36. Wu, R. S., Ou, C. S., Lin, H. Y., Chang, S. I., & Yen, D. C. (2012). "Using data mining technique to enhance tax evasion detection performance". **Expert Systems with Applications**, 39(10), 8769-8777.
37. Zanganeh, M., Ashouri Sheikhi, E., & Abdollahi, A. (2018). "Studying and Identifying the Effective Factors on Tax Evasion by Fuzzy DEMATEL-Method". **Journal of Optimization in Industrial Engineering**, 11(2), 149-154.

تهران، میرداماد، نرسیده به میدان محسنی، خیابان حساری، نبش کوچه دهم پلاک ۳۴

کد پستی: ۱۵۴۷۷۳۳۹۱۱

تلفن: ۲۲۲۲۷۲۲۱

فکس: ۲۲۹۰۷۶۷۲

وبسایت

www.iaaaar.com

ایمیل

iranianiaa@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Prioritizing Factors Affecting Tax Evasion

Mohammad Hasan Zare Banamiri¹©

Master of Management, Islamic Azad University, Babol, Iran

Mohammad Hosein Rahimian Amiri²

Master of Accounting, Parsa Institute of Higher Education, Babolsar, Iran

Mohammad Tirgan³

Master of Accounting, Parsa Institute of Higher Education, Babolsar, Iran

(Received: 20 April 2020; Accepted: 26 July 2020)

Any illegal attempt to not pay taxes, such as not giving the necessary information about taxable income and benefits to the authorities, is called tax evasion, and determining the level of tax evasion and having a better understanding of its reasons will help in the process of finding mechanisms to prevent it or reduce its intensity. The purpose of this study is to prioritize effective factors on tax evasion. For this purpose, by collecting the necessary information through library method and then distribution of questionnaire in two stages, the collected data were analyzed using Fuzzy Analytic Hierarchy Process method. The statistical population studied in this study is senior managers, staff managers and active experts who have a working relationship in different units and departments of the tax administration, among which 20 were selected as samples. To determine the importance and ranking of the main factors of the main factors and effective sub-factors on tax evasion, Group Fuzzy Analytic Hierarchy Process (GFAHP) has been used. The results of the prioritization of research variables have shown that the most important main factor for tax evasion is the determined executive factor and the main economic - environmental and legal factors in the next priorities.

Keywords: Tax Evasion, Tax in Iran, Group Fuzzy Analytic Hierarchy Process (GFAHP).

¹ mj.zare@qom.ac.ir © (Corresponding Author)

² m.h.rahimianamiri@gmail.com

³ m.tirgan2014@gmail.com